چون الله متعال اراده ی خیری در مورد امیری داشته باشد، وزیر صادق و راستگویی نصیب او می گرداند که هرگاه دچار فراموشی شود، او را یادآور گردد و چون چیزی را در خاطر داشته باشد او را یاری کند؛ و چون اراده ی خداوند در مورد او بر چیز دیگری رفته باشد، وزیر بدی را برای او قرار می دهد که هرگاه دچار فراموشی شود، چیزی را به یادش نیاورد و اگر در خاطر داشته باشد، او را یاری نرساند.

از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا أَرَادَ اللهُ بِالأَمِيرِ خَيرًا، جَعَلَ لَهُ وَزِيرَ صِدقٍ، إِنْ نَسِيَ ذَكَّرَهُ، وَإِنْ ذَكَرَ أَعَانَهُ، وَإِذَا أَرَادَ بِهِ غَيرَ ذَلِكَ جَعَلَ لَهُ وَزِيرَ سُوءٍ، إِنْ نَسِيَ لَمْ يُذَكِّرهُ، وَإِنْ ذَكَرَ لَمْ يُعِنْهُ»: «چون الله متعال اراده ی خیری در مورد امیری داشته باشد، وزیر صادق و راستگویی نصیب او می گرداند که هرگاه دچار فراموشی شود، او را یادآور گردد و چون چیزی را در خاطر داشته باشد او را یاری کند؛ و چون اراده ی خداوند در مورد او بر چیز دیگری رفته باشد، وزیر بدی برای او قرار می دهد که هرگاه دچار فراموشی شود، چیزی را به یادش نیاورد و اگر در خاطر داشته باشد، او را یاری نرساند».
[صحیح است] [به روایت ابوداوود]

در این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می کند که «إِذَا أَرَادَ اللهُ بِالأَمِيرِ خَيرًا»: «چون الله متعال اراده ی خیری در مورد امیری داشته باشد». و در ادامه این خیر به توفیقِ داشتنِ وزیری راستگو و درستکار تفسیر شده است؛ وزیری که به خیر و خوبی در دنیا و آخرت فرامی خواند؛ چنانکه این خیر به بهشت نیز تفسیر شده است؛ و اینکه می فرماید: «جَعَلَ لَهُ وَزِيرَ صِدقٍ» مراد وزیری است که در قول و عمل و در ظاهر و باطن صادق و درستکار می باشد؛ و به این دلیل به صدق و راستی توصیف شده، چون صدق و راستی اصلی اساسی در دوستی و سایر امور می باشد. بنابراین «إِنْ نَسِيَ» یعنی اگر امیر چیزی را که به آن نیاز دارد فراموش کند - و فراموشی بخشی از سرشت بشر می باشد - یا در حکم شرعی یا قضیه ی مظلومی یا مصالح رعیت دچار اشتباه شود و به خطا رود، «ذَكَّرَهُ»: این وزیر صادق و درستکار او را متذکر می شود و به راه راست و درست راهنمایی می کند. «وَإِنْ ذَكَرَ الأمير» و اگر امیر متوجه این مهم باشد، «أَعَانَهُ» با رای و نظر و قول و عمل خود او را یاری می کند؛ اما اینکه می فرماید: «وَإِذَا أَرَادَ بِهِ غَيرَ ذَلِكَ» یعنی اگر خداوند در مورد او اراده ای جز خیر و خوبی داشته باشد و به تعبیر دیگر در مورد او اراده ی شری داشته باشد، درنتیجه: «جَعَلَ لَهُ وَزِيرَ سُوءٍ» وزیر بدی برای او قرار می دهد؛ مراد وزیری بد در قول و عمل و متضاد وزیر صادق و راستگویی می باشد که توصیف آن گذشت؛ «إِنْ نَسِيَ» به این معناست که اگر چیزی را ترک نماید که باید انجامش دهد، «لَمْ يُذَكِّرهُ» در این زمینه او را متذکر و یادآور نمی شود؛ زیرا از نور قلبی که او را وادار به این تذکر و یادآوری نماید، برخوردار نیست. «وَإِنْ ذَكَرَ لَمْ يُعِنْهُ» و اگر امیر خود در این زمینه متوجه باشد، یاری اش نمی کند بلکه سعی و تلاش خود را متوجه منصرف کردن وی از آن می کند؛ و این به دلیل طبع و سرشت شرور و بدکار او می باشد.